

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۰

درونمایه‌های مقاومت در شعر «جواد جمیل» با تأکید بر دفتر شعری (أشياء حذفها الرقابة) * (علمی - پژوهشی)

دکتر کبری روشنفکر

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس تهران

سجاد اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

مرتضی زارع برمی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ادبیات مقاومت از مهم‌ترین سنگرهای فرهنگی ملت‌های تحت سلطه است. ادبیات مقاومت به‌ویژه شعر در عراق که واکنشی به حاکمیت استبداد است، ارزش‌های ادبی، فکری و تجارب هنری ویژه‌ای را در آثار شاعران این کشور به جای نهاده است که نه تنها در مجموعه شعر معاصر عربی قابل اعتنا و بررسی است، بلکه می‌تواند الگویی برای ادبیات متعهد و مقاوم سایر ملل نیز باشد.

پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی درونمایه‌های مقاومت در دفتر شعری «أشياء حذفها الرقابة» از جواد جمیل، شاعر معاصر عراقی بپردازد و بیش از پیش زوایای پنهان و ناگشوده ادبیات مقاومت عراق را بنمایاند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت استبداد از عوامل اصلی بروز عناصر مقاومت در شعر جواد جمیل است. سرزمین، مردم، قیام علیه بیداد، انگیزه‌های شیعی مبارزه، ستایش

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲۴

نشانی پست الکترونیک نویسنده: kroshan@modares.ac.ir

sesmaili20@yahoo.com

tmu.zare@yahoo.com

آزادی خواهان و جان‌باختگان و امید به آینده‌ای روشن، از مهم‌ترین درونمایه‌های اشعار شاعر مورد نظر است.

واژگان کلیدی

ادبیات مقاومت عراق، درونمایه‌های شعر مقاومت، جواد جمیل، اشیاء حذفه‌ها، الرقابة.

۱- مقدمه

هم‌زمان با پدیدار شدن نیروهای شر، سلطه‌گر و خودکامه، انحصاری شدن قدرت تصمیم‌گیری، حمله به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده و تضعیف آن‌ها، تجاوز به مرزهای سرزمینی دیگران با هدف اسارت و غارت، واژه پایداری در ذهن و روح انسان حق طلب آزادی خواه شکل گرفت و میراث ادبی ملل هم از پایداری سرود و نوشت.

ادب مقاومت شاخه‌ای از ادب متعهد و ملتزم است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های یک نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تأکید بر نوآوری در زمینه‌های تخیل بیان شود. بر اساس این تعریف، ادب مقاومت باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القاء موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبانش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کنند. (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰) بنابراین عنوان ادبیات مقاومت معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی شکل می‌گیرد. با داشتن این احساس و هوشیاری عمیق که ادامه سلطه، نامعقول و تغییر دادن آن ضروری است. ولی برای این که این شعر مؤثر واقع شود، بایستی تلاشی تغییر آفرین صورت پذیرد و لذا به یک نظریه انقلابی و دارای محتوای اجتماعی مسلح گردد» (درویش، ۱۹۷۱: ۲۷۱). جانمایه این آثار، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۶)

خیزش مردمی علیه رژیم بعث در عراق، نمونه بارزی از پایداری انسان در برابر شرارت است. «عراق از پربارترین کشورهای عربی در تربیت مردان مبارز است و شاید تشیع سرشار از روح انقلاب در این امر بی تاثیر نباشد زیرا علاوه بر این که بیشتر مردم آن شیعه‌اند، این کشور مرکز علمی تشیع نیز بوده و هست؛ به همین خاطر مبارزان در آن بسیارند» (آباد، ۱۳۸۰: ۶۴).

ادبیات و به ویژه شعر مقاومت در سرزمین عراق، آینه تمام نمای جنایاتی است که حزب بعث بر مردم تحمیل کرد. شاعر مقاومت عراق، «جواد جمیل»، هم‌دوش با مردم و با آفرینش آثاری گران‌سنگ از جمله دفتر شعری «أشیاء حذفتها الرقابه» شعله قیام و ایستادگی در برابر خودکامگی‌های جریان حاکم را در قلب ملت خود افروخت.

۱-۱- بیان مسئله پژوهش

قدرت یافتن حزب بعث، دوره‌ای سرنوشت ساز در تاریخ ملت عراق است چرا که تمام ساختارهای زندگی و قوانین جامعه را تغییر داد و با حاکم کردن فضای استبدادی، ارزش‌های پذیرفته شده را به ضد ارزش تبدیل کرد. لذا طبقه روشنفکر جامعه از جمله شاعران، با آفرینش آثار اعتراض و انتقادی، ناخشنودی خود را نسبت به اوضاع حاکم اعلام کردند. جواد جمیل شاعر مقاومت عراق، هم‌سو با جریان آزادی خواه به سرایش اشعار مقاومت پرداخت.

پژوهش حاضر بر آن است تا وجوه بارز و متمایز شعر مقاومت عراق را با تکیه بر دفتر شعری «أشیاء حذفتها الرقابه» از «جواد جمیل» بررسی کند.

۱-۲- سؤال پژوهش

- عوامل ظهور وجوه مقاومت و درونمایه‌های اصلی مقاومت در شعر «جواد جمیل» چیست؟

۱-۳- مواد و روش پژوهش

داده‌های مورد استفاده پژوهش حاضر، دفتر شعری «أشیاء حذفتها الرقابه» از شاعر مقاومت عراق، «جواد جمیل»، است. روش خاص پژوهش تحلیلی - توصیفی است. که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌گیرد.

۱-۴- پیشینه پژوهش

در حوزه شعر مقاومت عراق، پژوهش‌هایی همچون؛ «نگاهی به تاریخ سیاسی عراق از پایان جنگ جهانی اول تا روی کار آمدن حزب بعث» (ع. الجمیلی، ۱۳۷۰)، «هشتاد روز مقاومت» (سعید تاجیک، ۱۳۷۳)، «الغریبه فی الشعر العربی، الشاعر العراقی المهاجر نموذجاً» (سید عدنان اشکوری و دیگران، ۱۳۸۶) و «اشغال‌گری در شعر امروزین عراق» (علی نظری و دیگران، ۱۳۸۹) انجام شده است اما پژوهشی که با تکیه بر آثار «جواد جمیل». به مطالعه ادبیات مقاومت عراق پردازد، دیده نشد.

۱-۵- هدف پژوهش

- بررسی درونمایه‌های مقاومت در اشعار «جواد جمیل» و آشنایی با شرایط استبدادی عراق در دوران حاکمیت حزب بعث.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- درون‌مایه

درون‌مایه، در آثار ادبی معاصر، مترادف با «مسائل اصلی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸) و «محتوا و مضمون» مصطلح شده است. (یا حقی، ۱۳۸۲: ۱۸) و «در حقیقت، معیارهای اصلی حاکم بر شعر از لحاظ تفکر، شناخت و ساختمان فنی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۹) بنابر سنت معمول به معنای «مقصود»، «غرض»، «منظور»، «معنی»، «مدعا»، و رساتر از همه این معانی، «پیام» به کار گرفته می‌شود. (فرزاد، ۱۳۷۶: ۲۵) که در برگرنده حرف اصلی صاحب اثر، اندیشه مرکزی، جهان بینی و نگرش اوست.

۲-۲- ادبیات مقاومت عراق

ادبیات مقاومت عراق با توجه به مطالعات انجام گرفته به دو دوره: عثمانی (قرن ۱۹) و حاکمیت حزب بعث (قرن ۲۰) تقسیم می‌گردد. بدون شک جنگ‌های دولت عثمانی، تأثیر زیادی در برانگیختن احساسات مردم و به ویژه شاعران آن دوره داشت. در این میان شاعرانی همچون جمیل

صدقی الزهاوی و معروف الرصافی در اعتراض به سلطه عثمانی و مستعمرین فرانسوی و انگلیسی و ایتالیایی، أسلوب جدیدی از شعر را به نام شعر مقاومت پدید آوردند و اشعار و نوشته‌های خود را در حوزه ادبیات مقاومت عرضه کردند. (خضر، ۱۹۶۸: ۲۷-۳۰) به عنوان مثال اگر دفتر شعری الرصافی را ورق بزنیم، در می‌یابیم که او سه قصیده را به تشویق مسلمانان به جنگ و دفاع از طرابلس اختصاص داده است (عزالدین، ۱۹۶۵: ۴۴-۴۹).

مفهوم این اشعار در دهه دوم از قرن نوزده، غالباً رنگ و بوی اعتراض و نگرانی داشته است؛ این مفاهیم را می‌توان در اشعار برخی از آن شاعران مثل الزهاوی دریافت:

و مضطربٌ يشكو الحريق كأنما بأثواب ممّا يلي جلدہ جمرٌ

به گفته ناقدان، شایسته بود که شاعر در این بیت به جای کلمه «الحریق» از کلمه «الغرام» استفاده کند چرا که موضوع شعر غزل است. ولی شاعر به دلایلی که نگرانی او را برمی‌انگیخته است، شعر خود را به این شکل آورده است (الزبیدی، ۱۹۹۹: ۹).

در دوران حاکمیت حزب بعث عراق، روند حرکتی و تکاملی ادبیات مقاومت با محدودیت بیشتری مواجه بود. مردم عراق، به ویژه شاعران، بین دو گزینه مردد بودند: تسلیم کامل در برابر استبداد و خفقان طبقه حاکم یا مهاجرت اجباری از سرزمین (اشکوری، ۱۳۸۶: ۶۸).

۲-۳- جواد جمیل شاعر مقاومت عراق

جواد جمیل در سال (۱۹۵۴) میلادی در یکی از روستاهای جنوب عراق در ذی قار به دنیا آمد. درس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را با موفقیت و برتری علمی به پایان برد. تحصیل را در رشته مهندسی عمران ادامه داد و از دانشگاه با موفقیت فارغ التحصیل شد. در سال‌های (۱۹۷۴ و ۱۹۸۰)، به دلیل این که در اشعارش ندای حق، آزادی و عدالت سر داد، به زندان افتاد و شکنجه روحی و جسمی شد. پس از آن از انتشار شعرهایش در جراید و مطبوعات عراق، جلوگیری به عمل آمد. اولین شعر خود را در سیزده سالگی سروده است. اولین

شعرهایش را در روزنامه‌های دیواری مدرسه منتشر می‌کرد. ادبیات معاصر و کلاسیک عرب را خوب می‌داند، اشعاری را در مجله‌های علمی «المرفاء» و «الرابطة» که از بهترین مجلات ادبی عراق هستند، به چاپ رسانده است.

جمیل معتقد است: «شعر از لطیف‌ترین و عالی‌ترین حالات بیان است. باور دارم و به همین خاطر به شعر ملتزم و هدف‌دار، در همه سبک‌های کلاسیک و معاصرش معتقدم. در اعتقاد من، شعر باید قوی، محکم و زنده باشد، حال در هر شکلی که می‌خواهد باشد چرا که برای شاعر، شکل و بنای آن مهم نیست و من در شعرم به مسائل انسان ستم‌دیده و مستضعف می‌پردازم و توجهی ندارم که این انسان کیست و از کجاست؟» (امامی، ۱۳۷۰: ۱۱).

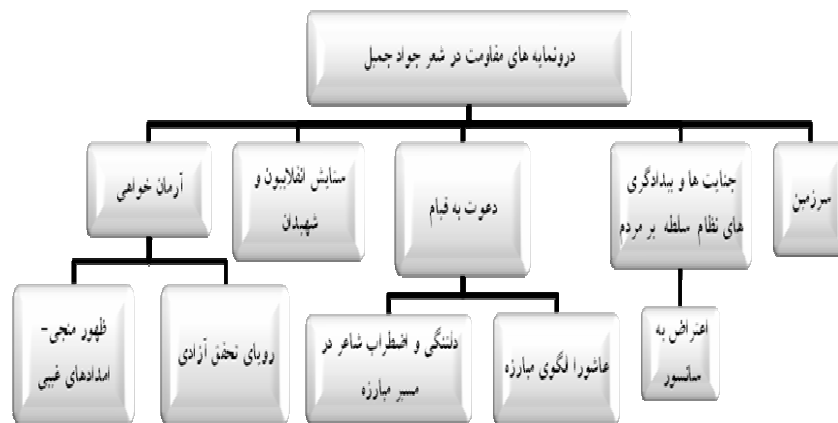
جمیل در حال حاضر، رئیس مؤسسه فرهنگی نوجوانان الهدی، سردبیر مجله کودکان الهدی، عضو انجمن ادبی عراق، اتحادیه ادیبان عرب، انجمن ادبیات اسلامی و مشاور مجله «الفکر الجديد اللندیة» است. از سال (۱۹۸۸) تاکنون او در کشورهای سوریه، عربستان، ایران، لبنان، و لندن در رفت‌وآمد است (جواد جمیل H: htm \bohosi\jamili).

۳- درونمایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل

نگارندگان پس از مطالعه دفتر شعری «أشياء حذفتها الرقابه» درونمایه‌هایی با عناوین: سرزمین، قیام، افشای جنایت‌های نظام استبداد علیه مردم، انقلابیون و جان‌باختگان راه آزادی و آرمان‌خواهی را طرح کرده‌اند. برای شرح هر یک از عناوین، مثال‌هایی از شعر شاعر ارائه شده است.

نمودار (۱) درونمایه‌های مقاومت شعر «جواد جمیل» را ترسیم می‌کند.

(زارع برمی، ۱۳۸۹: ۵۵):



سرزمین: عشق به سرزمین و میهن پرستی از درونمایه های اصلی شعر مقاومت در کشورهای تحت سلطه است. جواد جمیل در فضایی نمادین از دلنگی ها و علاقه اش به سرزمین مادری می سراید.

بیان جنایت ها و بیدادگری های نظام سلطه گر بر مردم: نخستین قربانیان نظام های بیدادگر و استبداد طلب، مردم هستند. فقر، فساد، سرگردانی، مرگ و حتی جنایت، محصول استبداد است. در یک چنین نظام هایی، شکنجه، زندان، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور، قانون است (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۹-۴۰).

دعوت به مبارزه: جمیل با وجود این که در راه مبارزه، فشارهای روحی و جسمی بسیاری را متحمل می شود اما با تکیه بر احساسات قومی و دینی، مردم و شاعران عراق را به قیام و ایستادگی در برابر استبداد فرامی خواند.

توصیف و ستایش انقلابیون و شهیدان: مبارزان راه آزادی و مردمی که به دست دژخیمان نظام سلطه گر جان باختند، نماد عظمت و الگوی فداکاری در شعر مقاومت عراق هستند.

آرمان خواهی و رؤیای تحقق آزادی: آزادی، آرمان آزادی خواهان است. ستیز با زندان، بند و اختناق بر فضای شعر جواد جمیل سایه انداخته است.

ظهور منجی، نویدبخش آینده‌ای روشن: جواد جمیل برای تقویت روحیه انقلابیون و تهییج مردم به ادامه مبارزه، مژده رسیدن لحظه پیروزی و آینده‌ای آرمانی را در پرتو ظهور منجی و امدادهای غیبی تبلیغ می‌کند (زارع برمی، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۴۶).

۳-۱- سرزمین

سرزمین در ذهنیت شاعران عراقی، به تدریج به یک مفهوم ریشه‌ای در ادب مقاومت تبدیل شده است و هویت هنری شاعر مقاومت را تشکیل می‌دهد و مفهوم آن بسیار ژرف‌تر از تعریف‌های سیاسی معهود است. وابستگی و تعلق انسان به مکان، در انسان حس وطن‌پرستی و عشق به سرزمین و زادگاه پدری و مادری و از سوی دیگر حق تابعیت و شهروندی را فراهم می‌کند. انسان‌ها سعی می‌کنند، خودشان را از طریق یک احساس مکانی تعریف کنند و آن را منشأ هویت خود بدانند (کرانگ، ۱۳۸۳: ۱۴۴). مکان با زندگی، تاریخ، ارزش‌ها، احساسات، روابط اجتماعی و شیوه تولید مردم پیوند می‌خورد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۷) از این نظر، مکان‌ها منبع مهم هویت فردی و جمعی هستند و مرکزیتی به وجود می‌آورند که در آن، پیوندهای عاطفی و روانی بین مردم برقرار می‌گردد (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

عشق به عراق و سرزمین مادری، یک از ویژگی‌های بارز شعر مقاومت جمیل است. شاعر هنگامی که از وطن استبدادزده می‌سراید، بیانی نمادین و احساسی دارد. وی در شعر «أشياء عن بغداد»، شرایط زمامداری حزب بعث را با جریان حکومت مغول بر عراق، برابر می‌داند و میراث تاریخی را در خدمت افکار اعتراضی و انتقادی خود قرار می‌دهد در عین حال، با بهره‌گیری از عناصر طبیعت، همچون شب زمستانی، ابر و جنگلی که برگ‌هایش خزان گشته، حس غم و رنج دوران بیداد را در اشعارش می‌دمد. تنها امید شاعر برای عبور از شب بیداد و ستم و ادامه زندگی، بغداد است: «سمعتُ نشیدک الآتی / من المدین البعیده، من كهوف الصمت / من ذاتی / فیفرح لیلی الشاتی / بصوت جاء من أعماق «بغداد» المغولیه / من الزنانه السوداء / من کتل من الأوجاع، منسیة / وأهرع، علنی الفاک فی دربی / تظلمک وجهک السحری / منی غیمة الحب / وأسْمَعُ التغرّب فی حکایاتی / و أسمع دقة القلب / كأنغام، تذوب، تذوب، / وسط حقیف غابات، / أذیبی لونک

الدَّهْبِي فِي جَفْنِي / وَ خَلَّى الرُّوحَ فِي لِحْنِي / وَ كَوْنِي الْحَارِسَ الْغَافِي، / عَلِي بَوَابَةِ
السَّجْنِ / لِأَهْرَبَ مِنْ عَذَابَاتِي، / إِلَى دُنْيَا وَ أَطْيَافِ / وَ أَضْحَكُ مِثْلَ طِفْلِ / عَابَثَ فِي
مَهْدِهِ الدَّفَافِي / وَ أَبْكِي دُونَمَا حُزْنَ / سَأَهْرَبُ مِنْكَ، / لَكِنْ كَيْفَ أَهْرَبُ - يَا تُرَى -
مَنْي؟» (جمیل، ۱۹۸۸: ۳۳-۳۵).

ای بغداد، سرودت را از شهرهای دوره، از غارهای سکوت و از درونم شنیدم
و شب زمستانی ام با صدایی شاد می شد که از اعماق بغداد «مغول زده» می آمد. از
سلول تاریک خود/ و از دردهای فراموش شده/ فریاد سر می دهم که شاید ای
بغداد تو را در راه خود بیابم/ بر چهره جادویی تو ابرهای عشق سایه می افکند/ و
شگفتی های سخنانم را به گوش تو می رسانم/ و صدای تپش قلب را می شنوم/
همچون نغمه هایی که میان خش خش جنگل ها، ذوب می شود/ رنگ طلائی ات را
در پلک هایم ذوب کن/ و روح را در سخنم رها کن/ و همچون نگهبانی خواب
آلود، بر دروازه های زندانش باش/ تا بتوانم از عذاب ها و شکنجه هایم به سوی
دنای آرزوها، یعنی بغداد، بازگردم و بتوانم همچون نوزادی بازیگوش و آرامیده
در گهواره، بخندم/ و بدون هیچ اندوهی گریه کنم/ از تو فرار خواهم کرد ولی از
خودم چگونه فرار کنم؟

وی در شعر «ما زالت أرفض»، پرنده سفید دریایی را خطاب قرار می دهد و با
استفاده از عباراتی چون؛ (ضیعت دربی، هائماً، الفتى الضائع و اللیل) اوضاع
استبدادی و خفقان آور عراق را به خواننده منتقل می کند: «لا تقول لي من أين؟/
فقد ضيعتُ دربی / هائماً جئتُك / غيرَ إني، لم أزل أحملُ في كفي قلبی / لم أزل
أذكرُ في تلكَ الحُقُولِ الخضرِ بيتي / أيها النورسُ، / عُدْ للقريّةِ الخجلى بصوتی / قل لها:
إنَّ الفتى الضائعَ / فى اللیلِ سیأتی.» (همان: ۲۰) نگو که اهل کجایم/ راهم را گم
کرده ام/ سرگردان به پیش تو آمده ام/ قلبم را کف دستم حمل می کنم/ همواره خانه ام
را در آن دشت های سرسبز به یاد می آورم/ ای نورس - پرنده دریایی - با صدایم به
روستای خجالت زده بازگرد/ و بگو: آن جوان گم شده در شب خواهد آمد.

۲-۳- بیان جنایت ها و بیدادگری های نظام سلطه گر بر مردم

رژیم بعث در دوران زمامداری خود با سرکوب مردم و قشر روشنفکر
جامعه که خواهان تغییر نظام سیاسی بودند، جوئی از وحشت و خفقان بر عراق

حاکم کرد. «سمیح القاسم» شاعر مقاومت فلسطین، فضای جوامع تحت سلطه را چنین توصیف می‌کند: «همه چیز ما جعلی است. خون ما، شناسنامه‌های ما، پدران و مادران ما جعلی هستند. پس بگذارید که کشتگان به خیابان بریزند و بگذارید حتی عشق و تمام رنگ‌ها و همه چیز به خیابان بریزد. بگذارید گوشت‌های ما به خیابان‌ها و میدان‌ها بریزد و هر چه می‌خواهد بشود و کشته روی کشته انباشته شود و تمام کوه‌ها و خیابان‌ها پر از شهیدان شود.» (القاسم، ۲۴/۰۲/۱۳۷۰: ش ۱۹۳۲۶).

جمیل با ترسیم شرایط اسفبار زندانیان سیاسی و شاعران مقاومت، به انتقاد از اقدامات سرکوب‌گرایانه رژیم بعث پرداخته است و در عین حال، بیداری و احساس قیام را در مردم برمی‌انگیزد.

شکنجه و قتل زندانیان: شاعر در شعر «إعتراف لم یسمعه أحد»، از شکنجه‌های ددمنشانه نیروهای امنیتی پرده برمی‌دارد: «غداً إن مرّ تاریخ العذاب / و ألف فصل فیہ / بعضُ فصوله السوداء / أمواقٌ بلا عینین / أفواہُ بلا شفقتین / أجسادٌ بلا کفین / آلافٌ من الأشلاء / بعضُ فصوله زنزانه محروقة الجدران / مذبوحٌ بها الإنسان.» (جمیل، ۱۳۸۸: ۶۶).

فردا اگر تاریخ شکنجه‌ها بگذرد/ و اگر آن تاریخ هزاران فصل داشته باشد/ برخی از فصل‌های آن سیاه است/ که در آن حدقه‌هایی بدون چشم هستند/ و دهان‌هایی بدون لب/ و جسدهایی بدون کفن/ و هزاران جسد/ برخی از فصل‌هایش چون سلول‌هایی دیوارسوخته، سیاه و خفقان‌آور است/ که انسان در آن سلول‌ها قربانی شده است.

ظلم و ستم به شاعران: جمیل در شعر «أشیاء عن الإنسان» از زندانی می‌سراید که خود گرفتار آن است. وی برای زندانیان از واژه «جسد» استفاده می‌کند که بیانگر شرایط غیر انسانی زندان‌های رژیم بعث است و از ملتی می‌سراید که رنج‌های خود را با زبان خشم و کین فریاد می‌کند. شاعر با استفاده از کلماتی چون خنجر (خیانت)، زخم (رنج)، ظلمت (خفقان و استبداد)، لاشخورهای شبانه (مزدوران رژیم بعث)، به نیکی، فضای استبداد و بیداد حاکم بر عراق را برای خواننده مجسم می‌کند: «من ظلمة الزنزانة السوداء / من نتن الأشلاء / من ذکریات کُتبت

على جدار الموت / من شفة ضاع عليها الصوت / من أهة مخنوقة ،كسيرة / من أمة
مجهولة الأسماء، / ضاعت مع التاريخ، / و الفتوح و الأشياء / من صرخة تحكى
فصول المحنة الكبيرة / أكتب للماضين و الآتين و الأحياء / أكتب من زنانتى
القصيدة الأخيرة! / ما أقسى الخنجر فى ظهري! / و الجرحُ الغائرُ حدَّ العظم، / يصبُّ
الظلمة فى فجرى / و نسورُ الليل، / تمدّ مخالِبها المعقوفة فى عُمرى. (همان، ۱۲۹-
۱۳۰).

از تاریکی زندان سیاه / از میان جسدهای متعفن / از خاطراتی که بر روی
دیوار مرگ نقش بسته‌اند / از لبی که صدا در آن گم شده / از آهی گرفته و
شکسته / از کنیز کانی گمنام / که با تاریخ و فتوحات گم شده‌اند / از فریادهایی که فصل
رنج‌های بزرگ را به یاد می‌آورند / به گذشتگان و آیندگان و زندگان می‌نویسم /
قصیده آخرم را از زندانم می‌نویسم / چقدر خنجر بر پشتم درد آور است! / و زخم‌هایی
که تا استخوان فرورفته / تاریکی را در سپیده دم من می‌نهد / و لاشخورهای شبانه،
چنگال‌های کج را در جانم فرو می‌برند.

۲-۲-۱- اعتراض به سانسور حقایق

مَلت عراق گرفتار سانسور و سرکوب شدید از سوی رژیم بعث هستند و
رسانه‌های دولتی نیز با فرافکنی و شانتاژ، از افشای جنایات حکومت جلوگیری
می‌کنند. جمیل در قصیده «أشياء لا تعرف المنع»، در فضایی شعار زده، احساسی و
تهدیدآمیز نسبت به کتمان حقایق و سانسور اشعارش توسط رژیم، اعتراض می‌کند:
«فالتغلُّوا كَلَّ المطارات الكبيرة، و المداخل / و ابنوا (جدار الصَّين) / و ابَنُوا فوقه
(أسوار بابل) / و لَتَمْنَعُوا حَتَّى الرِّسائل / و دعوا صحافة حقدكم، / و لَتَرَفَعُوا فى
السُّوح / آلاف المشانق و المقاصل / لكنكم سترون أشعاري / تخبأ فى السَّنابل /
سترونها تهتزُّ فوق الصَّخر». (همان: ۳۸-۳۹).

تمام فرودگاه‌های شهر را ببندید، / دیوارهایی همچون دیوار چین را از نو
بسازید / و بر بالای آن، دیوارهای بابل را بسازید، / نامه را قدغن، مطبوعات پر
کینه‌تان را فراخوانید و در میدان‌های شهر، هزاران چوبه دار و گیوتین برافرازید

ولی شما شعرهای مرا خواهید دید که در سنبل‌ها مخفی می‌شوند/ آن‌ها را بر روی صخره‌ها خواهید دید.

در پایان همین شعر، هشدار می‌دهد که اگر قلبش هدف تیرهای سلطه بیداد قرار گیرد، در سینه‌اش هزاران ترانه مبارزه است لذا فریاد اعتراضش هرگز خاموش نخواهد گردید: «إِنْ تَطَعْنُوا قَلْبِي / فَعِنْدِي أَلْفُ أُغْنِيَةٍ تَقَاتِلُ». (همان: ۴۰).

۳-۳- دعوت به قیام علیه نظام سلطه

در برابر اقدامات ضد انسانی و سرکوب‌گراییانه نظام حاکم بر عراق، جمیل، شور مبارزه و قیام برای اعاده حقوق مدنی را در مردم برمی‌انگیزد. وی در شعر «أشياء عن الإنسان» با سؤال‌های پی‌درپی، مردم را برای خیزش علیه شرارت و زشتی تهییج می‌کند: «و أَصِيحُّ تَعَالَوْا يَا صَاحِبِي / مَنْ يَحْدُو قَافِلَةَ الْحَبِّ؟ / مَنْ يَشْعَلُ مِنْ جُرْحِ الْقَلْبِ، / شَمْعَ الْآتِينَ، و يَذْوِي فِي عَتَمِ الدَّرْبِ؟ / مَنْ يَطْبِقُ أَجْفَانَ الْعَيْنَيْنِ عَلَى الشُّوْكِ؟ / مَنْ يَصْبِحُ مَتَكْنَأً، / فَوْقَ الرُّمْحِ الْمَجْنُونِ، و لَا يَبْكِي؟ / مَنْ يَنْفِخُ أَبْوَاقَ الْحَرْبِ؟ / لَتَقْوَمَ الْمَوْوَدَةُ مِنْ أَكْفَانِ التَّرْبِ؟ / تَبْحَثُ عَنْ مَنْ وِراءَهَا أُمْسٌ، بِلَا ذَنْبٍ / لَتَحْدُ السَّيْفُ، / وَتَنْصَبُ أَلْوَاخَ الصَّلْبِ». (همان: ۱۳۲-۱۳۳).

فریاد می‌زنم ای دوستان من بیایید / چه کسی قافله عشق را به جلو می‌برد؟ / چه کسی از زخم قلبش آتش می‌افروزد/ تا ظلمت راه را ذوب کند؟ / چه کسی بر پلک‌هایش، خار می‌نهد؟ / چه کسی بر نیزه‌ها می‌خوابد و ناله نمی‌کند؟ / چه کسی شیورهای جنگ را می‌دمد/ تا کشته‌های بی‌گناه از کفن‌های خود بیرون بیایند؟ / و دنبال گذشته بی‌گناه خود می‌گردند/ تا شمشیر را تیز کند و مجسمه‌های محکم را بشکند.

جمیل در شعر «أشياء مثل اللدم»، آیندگان را به مبارزه فرا می‌خواند چرا که وی مبارزه را رمز عبور از سختی‌های موجود می‌داند. وی، ابر را نماد سرزندگی و مایه نشاط، مزرعه را نماد اهالی شهر، زمین را نماد وطن، نیشکر و حنظل را نماد خوشی و ناخوشی، آفتاب را نماد روشنایی و روشن ساختن درون مردم و گلوله را نماد شجاعت و مبارزه با جنایت‌پیشه‌گان می‌داند: «سَأَلْتُكَ يَا أَخِي أَنْ تَعْبِرَ الْبِلْوَى / وَأَنْ تَكْبِرَ / وَأَنْ تَخْفِيَ مَسِيلَ الدَّمْعِ وَ الشُّكْوَى / سَأَلْتُكَ أَنْ تَكُونَ الْغَيْمَ،

يسقى الشوكَ و البيدرَ / سألتك أن تكون الأرض / تحتضن إحتضارَ الحنظلِ
المسكين و السكّر / سألتك أن تكون الشمس / يغمر نورها العُشاقَ، و القتلة / سألتك
أن تكون رصاصةً بطلّةً / و أن تكبرَ / و أن تكبرَ. (جمیل، ۱۹۸۸: ۱۱۰-۱۱۱).

ای برادر از تو می‌خواهم که سختی‌ها را در نوردی / بزرگ شوی / اشک‌های
جاری و شکایت‌ها را پنهان کنی / از تو می‌خواهم، همچون ابری یاشی که خارها
و خاشاک‌ها را سیراب کند / از تو می‌خواهم که همچون زمینی باشی که
پروراننده نیشکر و حنظل است / از تو می‌خواهم که خورشیدی باشی که نورش
عاشقان و قاتلان را در برگیرد / و از تو می‌خواهم که همچون گلوله قهرمانی
باشی / و بزرگ شوی / و بزرگ شوی.

۳-۳-۱- عاشورا، الگوی مبارزه در شعر جواد جمیل

از بین شخصیت‌های اسلامی، امام حسین (ع) نماد دفاع از تمامی ارزش‌های
نابی است که در دوره حکومت بنی‌امیه به شدت در خطر اضمحلال قرار داشت.
در پی قیام کربلا، حرکت‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه بسیاری، به تبعیت از
امام شیعیان، علیه استبداد و حاکمیت ظالمان صورت گرفت. «درست است که
فاجعه کربلا، حادثه‌ای تاریخی است که در فلان روز و فلان محل رخ داده است
ولی برداشتی که ما ایرانیان از آن داریم، نه تاریخی است و نه یاد بود یک اتفاق
تاریخی. آنچه به فاجعه کربلا نیرو می‌دهد، بعد ازلی آن است. این اتفاق یک بار
برای همیشه روی داده است. مراسم سوگواری برای این فاجعه ازلی، چنان حالی
ایجاد می‌کند که فقط یک واقعه اساطیری می‌تواند القاء کند. بعد تراژیک این
فاجعه در آن است که با احیای آن، سوگواران، لحظات اندوه را با تمام نیروی
ازلی‌اش در دل‌شان زنده می‌کنند و از زمان این دنیا خارج می‌شوند و خود را در
عرصه آن واقعه باز می‌یابند و دلشان مثل بیابان کربلا، سوزان می‌شود و لبشان،
مانند ریگ بی‌سامان. این زمان بی‌شبهه زمان اساطیری است.» (شایگان، ۱۳۷۱:
۲۰۴). «کربلا و اسوه‌های آن، الگوی مبارزه هستند و در سروده‌های شاعران
پایداری، پاکبازی، ایمان، بصیرت، عشق‌بازی و همانند سازی قهرمانان عرصه
مقاومت با قهرمانان کربلا، با تصویری بایسته و شایسته، ترسیم شده است به طوری

که کمتر شاعری است که به این واقعه، توجه نشان نداده باشد» (سنگری، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۳).

اعتقادات مذهبی و انقلابی جواد جمیل در دفتر شعری «أشياء حذفتها الرقابة» رخ نموده است و در خدمت اهداف مبارزه قرار گرفته است. وی در شعر «أشياء مثل الدّم»، پیوندی عمیق بین واقعه عاشورا و فضای استبدادی عراق در دوران حکومت بعثی‌ها برقرار می‌کند. فضای شعر به گونه‌ای است که گویی حوادث کربلا، امروزه در عراق قابل لمس است. وجه تفاهم بین شرایط کربلای دیروز و عراق امروز، همانا جاودانگی مبارزان آزادی‌خواه در ذهن تاریخ است: «سألْتُ القلبَ أن يبدى الأسى في لحظة الذكرى / أخبرني بأنَّ الطَّفَّ، ما زالت ترضُّ / على ثراه الأضلعُ الحمراء / وما زالت ملطَّخةً هناك الأذرعُ البتراء / وما زال الرضيعُ، يذوبُ من عطشٍ / وما زال الحديدُ يئنُّ، / يتقلُّ مشية الأُسرى / سمعتك حين عاشوراء عاد / كنتَ تعذبُ الجلادُ / فلا تغضبُ / إذا ما جال في شريانك العقربُ / ولا تغضبُ / إذا ما صبَّ فوق جراحك الأحقادُ / ولا تغضبُ / إذا ما زيفوا بغدادُ / و صارت كالسيبِ / ولا تعجبُ إذا حفروا المقابرُ / وأنَّ حروفنا الحمراء / تبقى حين يمحي كلُّ ما يُكتبُ / و يبقى النخلُ، ينتظرُ السماء.» (جمیل، ۱۹۸۸: ۹۷-۹۸).

از قلب خواستم که ناامیدی را در خاطراتش، برایم آشکار کند / به من خبر داد که در کربلا، پیکرهای خونین روی خاکش پایمال می‌شوند / دستان قطع شده خونین‌اند / طفل شیرخواره از تشنگی می‌سوزد / آهن فریاد می‌زند / و راه رفتن اسرا را سخت می‌کند / ... صدایت را آن‌گاه که عاشورا باز گشت شنیدم / تو جلادها را عذاب دادی / برافروخته نشدی / آن‌گاه که (زهر) عقرب در خون تو جاری گشت / برافروخته نشدی / آن‌گاه که کینه‌ها بر قلبت مسلط گشت / برافروخته نشدی / آن‌گاه که بغداد را ویران کردند و همچون اسیری گشت / آن‌گاه که قبرها را کردند، تعجب نکردی / حرف‌های ما سرخ است / زمانی که نوشته‌ها محو شوند، حرف‌های ما می‌ماند / نخل (عراق) باقی می‌ماند و منتظر آسمان می‌شود.

و در شعر «أشياء عن الإنسان»، صراحتاً اعلام می‌کند که «در قاموس پیروزی راه سومی نیست یا باید گلوی حسین (ع) بود یا شمشیر شمر!»: «لا ثالثَ في لغةِ النَّصْرِ / إما أن نصيحَ نحرِ (حسين)، / أو نغدو (سيفَ الشَّمر)». (همان: ۱۳۳)

۳-۲-۳- دلتنگی‌های شاعر در مسیر مبارزه

جمیل در ابتدای دفتر شعری «أشياء حذفتها الرقابة»، با توجه به فشارهایی که از طرف حکومت بر وی وارد می‌شود، زبان به گله و شکایت باز می‌کند و خود را فردی غریب و تنها و متعلق به شهری می‌داند که در آن، برای ادیب بهایی نیست؛ به گونه‌ای که ارزش شاعری برابر با سگان و مگس‌ان است: «قارئي / عُذراً إذا أيقظتُ يوماً في محياك الكآبة / فإننا من بلد / يزدادُ بالقربِ غرابة! / وأنا من بلد يعتبرُ الشاعرُ كلباً، أو ذبابة! / يا صديقي أنا لا أكتبُ، / إلّا عندما تشربُ أعصابي عذابك / ولذا ليسَ عجيباً، أن ترى جرحي في ليلِ الأسي، يطرقُ بابك». (جمیل، ۱۹۸۸: ۵-۶).

خواننده اشعارم، پوزش می‌طلبم اگر روزی غم را در چهره‌ات بیدار کردم / از شهری هستم که هر چه به آن نزدیک‌تر می‌شوی، احساس غربت تشدید می‌شود / شهری که در آن، شاعر همچون سگی یا مگسی است / دوست من، چیزی نمی‌نویسم مگر این که شکنجه تو را حس کنم / عجیب نیست که زخم‌های مرا ببینی هنگامی که در شب یأس، سراغ منزل تو را می‌گیرند.

۳-۴- توصیف و ستایش انقلابیون و شهیدان

«در این دنیا، کسانی که برای شرافت خودشان و اهل ملت‌شان، برای شرافت اسلام، اموری را انجام می‌دهند، کارهایی را انجام می‌دهند اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، پابرجا باشند، آن‌ها را حوادث نلرزاند این‌ها به مقاصد می‌رسند برای این که استقامت یک امر مهمی و مشکلی است» (خمینی، ۱۳۶۱: ۴۶۳).

از محورهای اساسی ادبیات مقاومت عراق، پرداختن به مبارزان و شهیدان راه آزادی و منزلت آن‌ها، به عنوان یک رسالت عمومی در شعر و نثر است. جمیل، شهادت و از جان گذشتگی‌ها را می‌ستاید و فرا روی مخاطبان خویش قرار می‌دهد تا وام همگان و احساس خود به این گوهرهای مقاومت و ایشار را نشان دهد. وی در

شعر «أشياء عن الإنسان»، از مبارزانی می‌گوید که جان بر کف، علیه استبداد به پا خاسته‌اند و کشته شدن، پایانی بر زندگی ایشان نیست. وی معتقد است که شعله قیام علیه طاغوت از مساجد شروع می‌شود: «نحنُ لا نصنعُ لِمَا قد قَبِل، فی المؤتمراتِ الدوليةِ! / إنما نصنعُ إذا ما صرخَ الرِشاشُ / فی قبضةِ نائِرٍ / و إذا ما هدرتْ بالرِفضِ، آلافُ الحناجرِ / و إذا ما ضمَّتْ الآفاقُ حمرةً / و إذا ما ارتسمتْ، بین زوايا المسجدِ المهجورِ ثورةً / و إذا ما حملَ الإنسانُ / فوقَ الكفِّ عمرهً / نحنُ نصنعُ للذی یدفنُ، / تحتَ القلبِ سرهً / و الذی إن مات، / لا یسکنُ قبرهً! / و الذی یحیی، و یقتاتُ علی الجرحِ، / و یحیی ألفَ مرَّة.» (جمیل، ۱۹۸۸: ۱۴۴-۱۴۵).

ستمگران، آن‌چه که در کنفرانس‌های بین‌المللی گفته‌شده برای ما بی‌اهمیت است / و تنها زمانی که گلوله‌ها در اسلحه مبارز انقلابی، فریاد برآوردند / و هزاران گلو، فریاد مخالفت سردادند / و آن‌گاه که افق‌ها سرخ گشتند / از گوشه‌های مسجد دور افتاده، قیامی نشأت گرفت / و انسان عمرش را کف دستش حمل کرد / ما به کسی گوش می‌سپاریم که رازش درون قلبش پنهان می‌ماند / و اگر بمیرد در قبرش آرام نمی‌گیرد / کسی که با زخم‌ها زندگی می‌کند و غذا می‌خورد / و هزار بار زندگی می‌کند.

۳-۵- آرمان‌خواهی

«از نظر مکتب آرمان‌خواهی، انسان ظرفیت تغییر، تحوّل و تأثیرپذیری از صفات پسندیده را داراست؛ تنها باید جایگاه بروز و تجلّی این صفات را فراهم آورد. انسان با گذشت زمان می‌آموزد، رشد می‌کند و خرد و اندیشه‌اش تکامل می‌یابد. تمدن‌ها نیز محصول همین فراگرد هم‌زیستی در جوامع است که تحت یک نظم قانون‌مند شکل می‌گیرند.» (طلوعی، ۱۳۷۷: ۱۴۶) رشد و شکوفایی هر جامعه‌ای، در سایه امنیت و آسایش آن اجتماع فراهم می‌شود و این امر، جز با رعایت عدل و خودداری از ظلم بر مردم، تحقق پیدا نخواهد کرد و هر که جز این توقع داشته باشد، بیهوده است. برآورده شدن آرزوهای ما، دست کم در عالم رؤیا، پیشه‌ای به اندازه تمام تاریخ بشر دارد.

تجلی مفاهیم آرمانی برای مردم کشورهای تحت سلطه متجاوز، بیشتر شبیه یک آرزو است چرا که بروز و ظهور عدالت، آزادی و صلح، نیاز به بستر سازی مناسب دارد. در کشورهای استبدادی مثل عراق یا اشغال شده توسط یک نیروی مهاجم خارجی مثل فلسطین، تحقق صلح، عدالت، برابری و آزادی معنی ندارد.

دنیای اجتماعی انسان‌ها در اشعار جمیل، آمیخته به زشتی‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها است. آرمان‌خواهی جمیل، نه شعری سفارشی و ساختگی بلکه عمیق، قوی، منطبق با آرزوهای انسان خسته جهان فرامدرن، عاشقانه و از صمیم قلب پر سوز و گداز شاعر است. وی در شعر «أشياء عن الإنسان»، با درک نابسامانی‌های جامعه، آینده‌ای روشن، پر امید و آزاد را به ملل تحت سلطه استبداد و اشغال نوید می‌دهد. آینده‌ای که در آن، دیگر اثری از سرکوب، سانسور، وحشت، خفقان و شکنجه نیست: «سيعرفُ المستضعفون ساعةَ الخلاصِ / سيولدُ الإنسانُ من فوهةِ بندقيّةٍ / سيولدُ الإنسانُ في الملاجئِ الخفيةِ / سيولدُ الإنسانُ في بغداد، في بيروت، في كابل، في المقابرِ المنسيةِ / سيولدُ مثلماً الطيورُ، في الغاباتِ و الوديانِ / وهكذا، سيحملونَ وجهنا المغمورَ بالدُّخانِ / ويحملونَ حزننا المدفونَ في الشَّريانِ / ويكتبونَ جرحنا ملحمةً أليّةً / ويرفعونَ صُوتنا، في صَخَبِ المجازرِ الوحشيّةِ.» (جمیل، ۱۹۸۸: ۱۴۱-۱۴۲).

به زودی، مستضعفان ساعت رهایی را می‌شناسند/ به زودی، انسانی از دهان تفنگ به دنیا می‌آید/ به زودی، انسان در پناهگاه‌های مخفی، در بغداد، بیروت، کابل و در گورستان‌های فراموش شده، هم‌چون پرندگان در جنگل‌ها و دشت‌ها، به دنیا می‌آید/ و چهره پوشیده در دود و غم مدفون در شریان ما را با خود حمل می‌کنند/ و از زخم ما اسطوره‌های شکوه‌مند می‌نویسند و صدای ما را در قتلگاه‌های وحشی بلند می‌کنند.

جمیل در شعر «عن الوجه المزور»، منتظر نیرویی از غیب است تا به یاری مردم عراق بیاید و ایشان را از اسارت برهاند: «مَن ذا يمدِّ يدًا / لجرحِ غاصٍ فيه ألبُ خنجرٍ / مَن يحرقُ اللَّحظَاتِ / في زمنٍ تحجّرٍ؟ / مَن يفتحُ البابَ المُسمّرَ؟» (همان: ۱۳) چه کسی دستی دراز می‌کند؟/ برای زخمی که هزار خنجر در آن فرو

رفته / چه کسی لحظات (بیداد) را در زمان سختی به آتش می‌کشد؟ / چه کسی در می‌خکوب شده را می‌گشاید؟

۴- نتایج پژوهش

- شعر مقاومت جواد جمیل، زبان دردها و مظلومیت‌های مردمی است که قربانی بیداد و استبداد حاکم بر عراق شده‌اند. محتوا و هدف شعر وی، در معنای عام آن، سرودن برای آینده‌ای آرمانی و نوید دادن پیروزی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر زشتی‌ها و پلیدی‌ها، اعتراض به سانسور حقایق، جان‌فشانی در راه سرزمین و احترام به شهیدان و جان باختگان راه آزادی است.

- شاعر عراقی در شعر مقاومت، به دنبال زبانی برای گفت‌وگو با همه مردم جهان است. مردمی که طعم تلخ استبداد و خفقان را چشیده‌اند؛ به بیان دیگر، ادبیات مقاومت، فرازمانی و فرامکانی است و هر انسانی در هر مکانی که باشد، می‌تواند در آئینه آن آثار، خود را بباید یا چهره سیاه زشت کاران و اندوه نشسته بر چهره دردمندان و شکوه ایستادن و ستیز با بیدادگری‌ها را در آن‌ها تماشا کند.

- جمیل با توجه به حاکمیت فضای اختناق، تهدید و ارباب در عراق، از نمادها برای بیان افکارش استفاده می‌کند. از سوی دیگر، شاعر با نمادینه کردن درونمایه‌های مقاومت، آن‌ها را از خطر روزمره‌گی و ابتذال نجات داده و به این مفاهیم، خصلت فرازمانی و فرامکانی بخشیده است.

- شاعر با برانگیختن احساسات وطن پرستانه و عشق به سرزمین مادری در مخاطبانش، انگیزه مبارزه با بیدادگران و جانفشانی در راه وطن را در مردم عراق تقویت می‌کند که در صورت بروز شرایط انقلاب، فرهنگ حماسی، هادت‌طلبی، قهرمان‌پروری و قداست‌پنداری را در شهروندان شکل می‌دهد.

- اعتقاد و آرمان جواد جمیل، مبارزه تا پای جان برای رهایی از یوغ استبداد است. شاعر با الهام از حماسه کربلا و جانبازی امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا، مردم را به قیام و قربان شدن در راه آزادی و رهایی از استبداد برمی‌انگیزد.

- شعر مقاومت از آنجا که با نظامی حاکم و رژیم‌اشغالگر درگیر می‌شود، برای گوینده آن، به خصوص در جوامع فاقد آزادی بیان، می‌تواند خطرآفرین باشد و حتی به حبس و زندان و محرومیت از حقوق فردی و اجتماعی منجر گردد. با تشدید فضای اختناق و وحشت در عراق و فشار روز افزون بر طبقه روشنفکر جامعه، ترس و دلتنگی بر زندگی شاعر سایه می‌اندازد اما هرگز دست از اعتراض بر نمی‌دارد.

- جواد جمیل در اشعارش، فرا رسیدن روزهای خوش را نوید می‌دهد و مردمش را از یأس بر حذر می‌دارد. چرا که برای تحقق آرمان‌های مبارزه می‌بایست، توان گذر از روزهای سخت استبداد را داشت. شاعر در دیوانش از عدالت و صلح سخنی بر زبان نمی‌آورد. تنها به آزادی می‌اندیشد چرا که بدون آزادی، صلح و عدالت هرگز برقرار نمی‌شود.

۵- پیشنهادها

- مطالعه ادبیات مقاومت عراق از خلال آثار شاعران این سرزمین، می‌تواند به روشن شدن زوایای ناشناخته سلطه حزب بعث بر این کشور، کمک شایانی کند.

- تحلیل آثار ادبی با ویژگی‌های پایداری، می‌تواند موجبات نزدیکی بیش از پیش جنبش‌های آزادی‌خواه در کشورهای تک حزبی را فراهم آورد.

- قیام امام حسین (ع)، می‌تواند به عنوان الگوی مبارزاتی برای ملل آزادی‌خواه و استبداد ستیز به صورت جدی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد.

کتابنامه

- ۱- آباد، مرضیه، ۱۳۸۰، *حبسیه سرایی در ادب عربی از آغاز تا عصر حاضر*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
- ۲- اشکوری، سید عدنان، ۲۰۰۸، *الغریبة فی الشعر العربی «الشاعر العراقي المهاجر نموذجاً»*، مجلة العلوم الانسانية الدولية للجمهورية الاسلامية الايرانية؛ السنة ۱۵، العدد ۱۵.
- ۳- امامی، صابر، ۱۳۷۰، *سانسور شده‌ها*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

- ۴- بصیری، محمدصادق، ۱۳۷۶، **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰ هـ.ش**، رساله دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- جمیل، جواد، ۱۹۸۸، **أشياء حذفتها الرقابة**، بیروت: دارالفرا، الطبعة الأولى.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۷- خضر، عباس، ۱۹۶۸، **أدب المقاومة**، القاهرة: دارالکاتب العربی.
- ۸- خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱، **صحیفه نور**، ج ۱۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- درویش، محمود، ۱۹۷۱، **شیء عن الوطن**، بیروت، دارالعودة، الطبعة الأولى.
- ۱۰- زارع برمی، مرتضی، ۱۳۸۹، **«تحلیل عناصر مقاومت در اشعار سمیح القاسم، سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- الزبیدی، مرشد، ۱۹۹۹، **اتجاهات نقد الشعر العربی فی العراق**، من منشورات إتحاد الکتاب العرب.
- ۱۲- سنگری، محمدرضا، ۱۳۷۷، **«ادبیات پایداری (مقاومت)»**، نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)، شماره ۹، سال ۳، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، چاپ اول.
- ۱۳-، ۱۳۸۰، **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**، تحلیل سبک‌شناسانه، بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها، ج ۲، تهران: پالیزان.
- ۱۴- شایگان، داریوش، ۱۳۷۱، **بت‌های ذهنی و خاطره‌آزلی**، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۱۵- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**، تهران: سخن، چاپ اول (ویرایش دوم).
- ۱۶- شکوئی، حسین، ۱۳۸۷، **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- ۱۷- طلوعی، محمود، ۱۳۷۷؛ **فرهنگ جامع سیاسی**، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- ۱۸- عزالدین، یوسف، ۱۹۶۵، **الشعر العراقی الحدیث و اثر التيارات السیاسیة و الاجتماعیة فیہ**، القاهرة: الدار القومیة للطباعة و النشر.
- ۱۹- فرزاد، عبدالحسین، ۱۳۷۶، **درباره نقد ادبی**، تهران: نشر قطره، چاپ اول.
- ۲۰- کرانگ، مایک، ۱۳۸۳، **جغرافیای فرهنگی**، ترجمه مهدی قرخلو، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۱- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، **جویبار لحظه‌ها**، تهران: جامی، چاپ پنجم.
- ۲۲- (H:\bohohs\jamili\جمیل\جمیل.htm)